

## فلسفه در چهار قرن اخیر در ایران\*

محمد تقی دانش‌پژوه

به حکم جبر تاریخ و نظر به علل اجتماعی و اقتصادی که شرحی مبسوط دارد با ظهور دولت عربی مرزهایی که در کشورهای اندلس و مغرب و مصر و شام و سرزمین ایران‌شهر، اقوام مختلف این سرزمین‌ها را از هم جدا می‌کرده است از میان برداشته شده و ناگزیر با آشنایی مردم ایران و سریان و روم و یونان و غرب و قبطی و اندلسی و هندی با یکدیگر فرهنگ این گونه‌گون مردم درهم آمیخته و عرفان هند و دانش ایران و گنوس یونان که در این سرزمین‌ها روایی داشته است به هم پیوست، در نتیجه اندیشه خاصی که از آیین اسلام و کلام یهودی و ترسایی و زردشتی هم متأثر شده بود در قلمرو دستگاه فرمانروایی اسلام پیدا شده که جنبه عقلی آن به نام «فلسفه اسلامی» خوانده می‌شود. این فلسفه نخست با کوشش کندی و سرخسی و فارابی و عامری و ابن‌سینا و مانند آنها به دین اسلام نزدیک شده و با کوشش عین‌القضات همدانی و ترکه خجندی و مانند او با تصوف پیامیخت و همین فلسفه با کوشش معتزلیان و اشعریان روشن‌اندیش مانند غزالی و دیگران آشکارا در خدمت کلام اسلامی درآمده بود و چند قرنی بر آن گذشت و در ایران به دست خواجه طوسی و علامه حلی و ابن

---

\*. نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دفتر یکم، بهار ۱۳۴۹، صص ۱۰۴ تا ۱۱۷.

ابی‌جمهور احسائی و غیاث‌الدین منصور دشتگی رسیده و شکل‌های گوناگون گرفت تا نوبت به صدرای شیرازی رسید. این فیلسوف جامع در کتاب‌های خود آن‌هم در سده یازدهم که فلسفه و تصوف را دشمنانی فراوان بوده است به روش خاصی، بسیاری از مسائل فلسفی را مطرح کرده و از راه شهود صوفیانه و ذوق اشراقی و منطق مشائی با تمسک به آیات و اخبار آنها را مستدل ساخته و به گفته خود او روش‌های نوی هم پیش گرفته است.

آراء فلسفی او اعتباری پیدا کرده و بر انظار استادش سید داماد و سلفش میرفندرسکی و معاصرش شمسای گیلانی برتر آمده است. شاگردان دانشمندش مانند فیض کاشانی و فیاض لاهیجی نیز گرچه راه دیگری پیش گرفته بودند ولی ناگزیر از او ستودند و بیش از او قدری هم نیافتند.

فلسفه او تا امروز هم از ارجمندترین فلسفه اسلامی شیعی به‌شمار است و دیگران اگرهم رأی خاصی داشته‌اند کسی به آنها ننگریسته و فراموش شده‌اند. اگرچه نباید گفت که همگان خوشه‌چین خرمن او هستند بلکه شاید فیلسوفانی پس از او و در زمان او بوده‌اند که از صاحب‌نظرانند و ما آنها را درست نشناخته‌ایم همچنان که غیاث‌الدین منصور دشتگی و نظام‌الدین احمد دشتگی که از اسلاف صدرای شیرازی به‌شمارند درست شناخته نشدند و نمی‌دانیم که آثار آنها تا چه اندازه در تکوین فلسفه صدرایی دخالت داشته است. همچنین شمسای گیلانی را هنوز درست نمی‌شناسیم.

باری بیشتر دانشمندانی که پس از او آمده‌اند به فلسفه او می‌نگریستند و مدرسان کتب او را درس می‌گفتند و برای آنها شرح و حاشیه و ترجمه می‌ساخته‌اند.

اینک چند تن از دانشمندان چهار قرن را نام می‌بریم.

(سده ۱۱)

- ۱) رضی‌الدین اسکندر آملی که از عارفان است.
  - ۲) ابوالحسن احمد ابیوردی کاشانی مؤلف *روض الجنان و المعارف* تنها در علم طبیعی.
  - ۳) مولی رجب‌علی تبریزی درگذشته ۱۰۸۰ مؤلف اثبات واجب به فارسی و قائل به اشتراک لفظی وجود.
  - ۴) علیقلی‌خان فرزند قرچغای‌خان خلخالی اصفهانی سپهسالار شاه عباس و برادر منوچهرخان فرمانروای شهر طوس که در ۱۰۲۰ زاده شده و در ۱۰۸۳ زنده بود و شاگرد شمسای گیلانی و محقق خوانساری بوده است. او خواسته بود مجموعه‌ای در منطق به روش پیشینیان در چهار کتاب به فارسی بنویسد و توانست مقولات را در روز آدینه ۹ صفر ۱۰۷۶ در ۵۶ سالگی و عبارات را در ۲۳ شعبان ۱۰۷۶ به انجام رساند و گویا قیاس و صناعات پنجگانه را ننوشته است (نسخه آستان قدس ش ۱۵۷) او در این کتاب سخنان ارسطو و مفسران و میرداماد و علامه حلی و ابن‌سینا را آورده است.
- او را کتابهای بسیاری است مانند *فرقان‌الراییین و تیبان‌الحکمتین* در فرق میان حکمت ارسطو و افلاطون و حکمت فارابی و ابن‌سینا و میرداماد در چهارده مسأله که میان آنها اختلاف شده است و شرحی بر *اثولوجیا* دارد و کتاب *احیاء حکمت و زبور عارفین و مزامیر العاشقین* (اعیان الشیعه ۳۲: ۱۳ - ذریعة ۱: ۳۰۷ و ۳: ۳۷۷ و ۷: ۱۵۴ و ۱۲:

۳۷ و ۱۳: ۶۳).

(۵) آقا حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری درگذشته ۱۰۹۹ محشی الهیات شفا و شرح اشارات والمحاکمات و نگارنده الجبر والاختیار و الجزء الذی لایتجزی و شرح هیئت قوشچی (ریحانة الادب ۴: ۴۸۷).

(۶) نظام‌الدین احمد دشتگی درگذشته ۱۰۱۵ مؤلف کتاب اثبات الواجب والامالی الفلسفیه.

(۷) نظام‌الدین احمد دشتگی نواده آن یکی و درگذشته ۱۰۸۶.

(۸) ابومحمد محمود بن محمد دهدار عیانی خفری شیرازی عارف حروفی فیلسوف (۱۰۱۶-۹۴۷).

(۹) شیخ محمد علی بن ابی طالب حزین زاهدی درگذشته ۱۰۸۱ (ذریعة ۶: ۲۹۴).

(۱۰) محمدباقر سبزواری درگذشته ۱۰۹۰ محشی الهیات شفا و شرح اشارات.

(۱۱) قوام‌الدین احمد پسر صدرای شیرازی.

(۱۲) محمدابراهیم پسر صدرای شیرازی.

(۱۳) میرزا محمد بن حسن شیروانی درگذشته ۱۰۹۸.

(۱۴) محمد بن موسی خراسانی طبسی گیلکی مؤلف رساله‌ای در نفس در ۱۰۹۸ در اصفهان و کتابی به نام مناہج‌العرفان.

(۱۵) احمد بن زین‌العابدین عاملی درگذشته میان سالهای ۱۰۵۴ و ۱۰۶۰ و شاگرد سید داماد.

- ۱۶) مولی عبدالغفار بن محمد بن یحیی رشتی شاگرد سید داماد و محشی  
الافق المبین (ذریعة ۶: ۲۱).
- ۱۷) آقا محمدرضی بن حسن قزوینی درگذشته ۱۰۹۶ مؤلف لسانالخواص  
که دائرة المعارف است (ریحانة الادب ۱: ۲۵).
- ۱۸) فیض کاشانی درگذشته ۱۰۹۱.
- ۱۹) نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی از سده ۱۱ و ۱۲.
- ۲۰) شمسای کشمیری محشی تجرید از سده ۱۱ (کتابخانه مرکزی  
دانشگاه تهران ۶: ۲۲۶۳).
- ۲۱) شیخ علینقی طغایی کمره‌ای شیرازی اصفهانی درگذشته ۱۰۶۰ مؤلف  
حدوث العالم (ذریعة ۶: ۲۹۴).
- ۲۲) شمسای گیلانی شمس‌الدین محمد زنده در ۱۰۴۵ مؤلف  
الحکمة المتعالیة و حدوث العالم و قائل به حدوث  
دهری (ذریعة ۶: ۲۹۵ و ۷: ۵۹).
- ۲۳) ملا سلیمان گیلانی مؤلف الفیوضیات الالهیة در فلسفه به عربی  
با عنوان فیض در جمع میان فلسفه و کلام (به خط نسخ ۱۰۸۸ در  
اصفهان از کتب مجلس).
- ۲۴) مولی محراب عارف گیلانی قائل به وحدت وجود (ریحانة  
الادب ۱: ۱۸۸).
- ۲۵) نظام‌الدین احمد گیلی محشی الافق المبین (کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران ۷ / ۳۹۰۱).
- ۲۶) فیاض لاهیجی درگذشته ۱۰۵۱.

- (۲۷) حسن بن عبدالرزاق لاهیجی قمی که در دفاع از فلسفه رساله‌ای دارد و ابن رشد قرن یازده می‌توانش خواند.
- (۲۸) بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی مؤلف تفسیر فارسی و خیرالرجال و الرسالة المثالیة النوریة به فارسی در عالم مثال که جز فانوس‌الخیال است و او چنانکه استوری گفته است با قطب لاهیجی باید دو برادر باشند.
- (۲۹) قطب‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی مؤلف محبوب‌القلوب و فانوس‌الخیال یا قندیل‌الخیال در عالم مثال.
- (۳۰) رفیع‌ای نایینی میرزا رفیع‌الدین محمد بن حیدر طباطبایی نگارنده اقسام‌التشکیک و الشجرة الالهية و الثمرة فی تلخیص الشجرة (گزیده الشجرة الالهیه خود او) و درگذشته ۱۰۸۲.
- (۳۱) عوض بن حیدر شوشتری مؤلف گوهر یکدانه برای شاه سلیمان در کلام.
- (۳۲) صدرالدین محمد شیرازی مؤلف گوهر یگانه در ۱۰۷۷ در کلام برای شاه صفی.

## (سده ۱۲)

- (۱) مولی محمدصادق اردستانی عارف اصفهانی درگذشته ۱۱۳۴.
- (۲) آقامحمد بن محمدرفیع گیلانی اصفهانی بیدآبادی درگذشته ۱۱۹۷  
کیمیائی سده ۱۲.
- (۳) شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی زنده در ۱۱۰۴ مؤلف رساله‌های اثبات

- حدوث عالم و وحدت وجود (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۵۱۷ و ش ۱۲: ۱۹۸ و ۱۷ و ۱۶ / ۲۱۹۸ (ج ۹: ۸۸۱) و ۱۰ / ۳۹۰۱ (جلد ۱۲).
- (۴) محمدیوسف بن حسین تهرانی مؤلف نقدالاصول و تلخیص الفصول در منطقی به روش قدیم در ۱۱۰۴.
- (۵) مولی محمداسماعیل مازندرانی اصفهانی خواجه‌جویی درگذشته ۱۱۷۳ مؤلف ابطال الزمان الموهوم در رد جمال‌الدین محمد خوانساری و تأیید سید داماد در حدوث دهری (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۷۳).
- (۶) آقا جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری درگذشته ۱۱۲۵.
- (۷) قاضی محمد سعید بن محمد مفید قمی حکیم کوچک شاگرد فیض کاشانی و فیاض لاهیجی و رجبعلی تبریزی و درگذشته ۱۱۰۳ مؤلف کلید بهشت و اسرارالصنایع در صناعات خمس منطقی و محشی اثولوجیا (دو بار) و شرح اشارات (ریحانة الادب ۳: ۲۶۸).
- (۸) محمد بن محمدزمان کاشانی که در ۲ محرم ۱۱۶۲ مرآت‌الزمان ساخته و حدوث دهری سید داماد را رد کرده و زمان را موهوم پنداشته است (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۳۵۲).
- (۹) محمد بن جعفر بن عبدالله کمره‌ای اصفهانی زنده در ۱۱۱۵ (ذریعة ۷: ۵۴).
- (۱۰) مولی حمزه گیلانی از سده ۱۲ (ذریعة ۷: ۵۷).

- (۱) شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۲) شارح المشاعر و الحکمة العرشية صدرای شیرازی و رسالة العلم فیض کاشانی و شرح الفوائد خودش. او بنیادگذار روش شیخیان و در فلسفه شیعی صاحب رأی.
- (۲) مولی محمد اسماعیل بن محمد سمیع اصفهانی درگذشته ۱۲۷۷ محشی المشاعر و شوارق و شارح العرشية و شاگرد مولی علی نوری.
- (۳) ابوالحسن بن محمد هادی حسینی تنکابنی مؤلف البضاعة المزجاة فی اثبات وجود الکلی الطبیعی که در ۱۵ ع ۲ / ۱۲۵۵ آن را ساخته و آن از شاهکارهای فلسفی سده سیزدهم است (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۱۸).
- (۴) ملا آقای دربندی (ملا آقا بن عابدین رمضان بن زاهد شیروانی فاضل دربندی) فقیه اصول متکلم ریاضی دان اخباری درگذشته ۱۲۸۵ (ریحانة الادب ۲: ۱۴).
- (۵) مولی عبدالله زنوزی تبریزی تهرانی شاگرد مولی علی نوری و مدرس مدرسه مروی در تهران و محشی اسفار و درگذشته ۱۲۷۵ (ریحانة الادب ۲: ۱۳۴).
- (۶) حاج محمد هادی بن مهدی اسرار سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹).
- (۷) مولی محمد جعفر لنگرودی لاهیجانی شارح المشاعر در ۱۲۶۵ (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۲۸۲).
- (۸) نراقی مهدی بن ابی ذر درگذشته ۱۲۰۹ مؤلف جامع الافکار و ناقد الانظار فی اثبات الواجب و صفات الثبوتیه و اللمعة که مانند



- الشواهد الربوبية است (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۲۱۹ و ۷: ۲۷۷۸ و ریحانة الادب ۴: ۱۸۶).
- (۹) مولی زین العابدین بن محمد جواد نوری شارح المشاعر.
- (۱۰) مولی علی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی درگذشته ۱۲۴۶  
محشی المشاعر و الاسفار و الشواهد الربوبية و شرح  
الفوائد احسائی (ریحانة الادب ۴: ۲۵۰).
- (۱۱) محمدعلی بن محمد مؤمن حسنی حسینی طباطبائی که برای محمدعلی  
لاهیجانی نقض المشاعر فی دفع شبهات الفيلسوف الشيرازی ساخته و  
در روز دوشنبه ۲۶ ع ۱۲۱۸/۲ آن را به انجام رسانده است (ش ۵۵/۶  
علمی در دانشگاه، نوشته خود او در روز دوشنبه ۱۵ ج ۱۲۱۸/۱).

## (سده ۱۴)

- (۱) مرحوم میرزا مهدی آشتیانی استاد فلسفه در زمان ما.
- (۲) میرزا هاشم بن محسن بن محمدعلی گیلانی اشکوری درگذشته ۱۳۳۲  
مدرس مدرسه سپهسالار جدید تهران و محشی مصباح الانس بین  
المعقول والمشهود فی شرح مفتاح غیب الجمع والوجود (ذریعة  
۶: ۲۰۱).
- (۳) شیخ محمدباقر اصطهباناتی مؤلف حدوث العالم که در صفر ۱۳۲۶ او  
را کشته‌اند (ذریعة ۶: ۲۹۳).
- (۴) سید جمال‌الدین افغانی فیلسوف اجتماعی سده چهاردهم.
- (۵) مولی محمدفاضل ایروانی درگذشته ۱۳۰۶ و جامع معقول و منقول.
- (۶) میرزا احمد بن ابراهیم بن حاج نعمت‌الله اردکانی شیرازی محشی

المشاعر.

- (۷) میرزا ابوالحسن بن میرمحمد طبیب طباطبائی زواری اصفهانی معروف به جلوه (۱۲۳۸-۱۳۱۴) محشی المشاعر و الاسفار.
- (۸) مرحوم میرزا محمدطاهر تنکابنی استاد فلسفه در زمان ما.
- (۹) آقا علی بن مولی عبدالله مدرس زنوزی تبریزی تهرانی درگذشته نزدیک ۱۳۰۷ مؤلف بدایع الحکم و محشی اسفار و مدرس مدرسه سپهسالار (ریحانة الادب ۲: ۱۳۴).
- (۱۰) میرزا محمدعلی بن محمد جواد اصفهانی شاه‌آبادی مدرس تهران و قم که شاگرد میرزا هاشم رشتی بوده و مؤلف منازل السالکین در عرفان است (ریحانة الادب ۲: ۲۹۰).
- (۱۱) آقا میرزا محمدرضای قمشئای عارف مدرس مدرسه صدر تهران و درگذشته ۲۷ محرم ۱۳۰۶ و محشی اسفار.

### مختصات و نشانه‌های فلسفه در این چهار قرن

- (۱) استناد به آیات قرآن و احادیث شیعی در حل مسائل فلسفی.
- (۲) آمیختن مسائل فلسفی با مسائل عرفانی و استناد به کشف و شهود و آمیختن دو روش مشاء و اشراق.
- (۳) استناد به آثار منحول منسوب به فیثاغورس و ارسطاطالیس به‌ویژه کتاب الربوبية یا اثولوجیا که گویا نخستین بار به این نام در عنوان مقاله‌ای از اسکندر افرودیسی برمی‌خوریم و ابن‌سینا هم در آغاز المبدأ والمعاد از همین کلمه یاد کرده است.
- در سده ۶ و ۷ عبداللطیف بغدادی به آن اهمیت داده و در سده دهم

غیاث‌الدین منصور دشتگی آن را می‌خواسته است شرح کند و دیباچه‌ای بر آن نوشته است و پس از صدرای شیرازی قاضی سعید قمی بسیار بدان ارج نهاده و از کسانی که آن را نمی‌پسندیدند نکوهش کرده است. او می‌گوید که سید داماد می‌گفته است که من آن را هفتاد بار خوانده‌ام. اتولوجیا دو روایت دارد و بوریسوف روسی به دومین آن برخورد کرده است. این کتاب را:

۱. کندی اصلاح نموده است.
۲. ابن سینا بر آن شرح دارد.
۳. ابوالعباس لوکری بخشی از المبدأ والمعاد شیخ را به این نام که او بدان داده بود در بیان‌الحق گذارده است.
۴. عبداللطیف بن یوسف بغدادی (سده ۶ و ۷) در کتاب فی مابعد الطبیعة بخشی از آن را آورده است.
۵. ابن ابی‌جمهور احسائی در محلی (ساخته ۸۹۶ در طوس) بندی از آن را آورده است.
۶. غیاث‌الدین منصور دشتگی می‌خواست که آن را شرح و تحریر کند و دیباچه‌ای بر آن نوشته است (ش ۵۳۹۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).
۷. تقی‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی شاگرد دشتگی اتولوجیا را بار دوم تحریر کرده است (ذریعة ۳: ۳۷۷).
۸. قاضی سعید قمی مانند صدرای شیرازی و سید داماد از دوستان این کتاب بوده و دو حاشیه بر آن دارد (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳/ ۲۰۱۸).

مسائلی را که در این چهار قرن مورد بحث بوده بیشتر ضمن شروح و حواشی آمده و شامل بسیاری از مطالب فلسفی می‌باشد اگرچه گاهی به رساله‌های خاص به یک یا چند مسئله مانند وحدت وجود و کلیت و حقیقت بسیط و حدوث عالم و علم خداوند و جز اینها برمی‌خوریم.

در میان آنها به چند مسأله گویا ارج بیشتری می‌نهادند مانند:

۱. اصالت وجود
۲. وجود ذهنی
۳. تجرد نفس
۴. اتحاد عاقل و معقول
۵. حدوث عالم
۶. حرکت جوهری
۷. عالم مثال و تجرد خیال که در این مسأله قطب شیرازی و قطب لاهیجی و برادرش بهاءالدین لاهیجی و حاجی مولی هادی سبزواری رساله‌های خاصی دارند.
۸. میرفندرسکی در رساله حرکت، مثال افلاطونی را منکر است (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳/ ۲۴۹).
۹. معاد و بقای روح. این مسأله با فصولی که صدرای شیرازی از آغاز و انجام خواجه طوسی ترجمه و در اسفار گذارده است به روش باطنیان نزدیک شده است.

در این زمان گاهی به برخی از مشکلات دیالکتیکائی نیز می‌نگریستند

مانند:

۱) شبهه استلزام که آقا حسین خوانساری و محمد بن حسن شیروانی و مولی محمدباقر سبزواری و رفیعای نایینی و ملا خلیل قزوینی و شیخ حسین تنکابنی و دیگران در آن رساله‌ها و مقاله‌ها دارند.

۲) شبهه جذر اصم یا حل مشکل «کل کلامی کاذب» که منطقیانی مانند فارابی و امام رازی و کاتبی و سمرقندی و خجندی و دشتکی و دوانی و دیگران از آن بحث کرده‌اند و در سده یازدهم هم از آن گفتگو می‌شده است.

یک مسأله مهم فلسفی را نباید فراموش کرد و آن مسأله حدوث دهری است که شرف‌الدین محمد مسعودی مروزی و فریدالدین غیلانی از دانشمندان سده ششم این مسأله را طرح کردند و میرداماد استرآبادی آن را از نو به میان آورده است و شاید آن بهترین راه حل در مسأله آفرینش باشد اگر راه فیض گنوسیان و تجلی عارفان پذیرفته نشود. این راه را صدرای شیرازی نرفته و برخی دیگر هم از آن خرده گرفتند و رساله‌های ابطال الزمان الموهوم و مرآت الزمان به وجود آمده است.

یک حادثه در سده سیزدهم عبارت است از پرسش مسائل فلسفی و اجتماعی و مذهبی انتقادی از طرف آزاداندیشان و درباریان جهان‌نیده و فرنگستان رفته از دانشمندان مطرود یا گمنام و یا فیلسوف مانند شیخ احمد احسائی و میرزا محمد اخباری و سید محمدکاظم رشتی و محمدکریم‌خان کرمانی و محمدحسن طبسی و حاجی ملاهادی سبزواری نه از دانشمندان معروف مانند کرباسی و کنی و شیخ جعفر نجفی و میرزای قمی که چنین پرسشها را کسی جرأت نداشته است از آنها بکند.

اکنون تاریخچه یک مسأله فلسفی را که صدرای شیرازی بدان ارج می‌نهاده و تاریخ کشف دلیل آن را بخصوص یاد کرده و رساله‌ای جداگانه درباره آن ساخته است در اینجا می‌آوریم و آن مسأله اتحاد عقل و عاقل و معقول است.

در این مسأله می‌توان دو شاخه و فرع تصویر نمود:

- (۱) مسأله خودآگاهی و حضور ذاتی که نخستین بار در کتاب خارمیدس افلاطون (بند ۱۶۴-۱۶۹) مطرح شده و در آن نقدی که سقراط از کتیبۀ پرستشگاه دلفس «خود را بشناس» کرده است نقل شده است. سکتستوس امپریکوس در آدورسوس ماتماتیکوس (۷: ۳۱۰) از این اصل خرده گرفته و آن را منکر شده است و افلوپینوس در تاسوع پنجم فصل سوم بند ۱-۶ ائناد از آن دفاع کرده است.
- (۲) یگانگی داننده با دانسته‌های خود که از آن هم در جوک پاتنجل و اوپانشاد یاد گشته و در ائناد طرح و مستدل شده و مجملی از آن هم در اثولوجیای منحول و رسالۀ فی‌العلم‌الالهی منسوب به فارابی و الايضاح للخیرالمحض منسوب به ارسطو و معاذلة النفس هرمس هست و در کتاب النفس ارسطو و رسالۀ عقل اسکندر افرودیسی و رسالۀ عقل کندی و سخنان فارابی و عامری و در المبدأ والمعاد ابن‌سینا و دیگر آثار او آثار مشکویۀ رازی و ابن‌رشد و ابن‌باجه و مقالۀ عقل و المعبر ابی‌البرکات بغدادی و آثار قونوی و خجندی و قیصری و فناری و دیگران هم هست و به بهترین وجهی افضل‌الدین کاشانی در آثار خود از آن بحث داشته است. گویا بتوان گفت که صدرای شیرازی در فلسفه بدان متکی شد و آن را وارد

دستگاه یا سیستم فلسفی خود کرده است. پس از او فیض کاشانی از این مسأله یاد کرده و بخصوص استدلال افضل‌الدین کاشانی را آورده است و مانا برهان تضایف استاد را نمی‌پسندیده است.

شارحان و محشیان و مدرسان فلسفه صدرا هم در این مسأله سخن داشته و برخی دلیل خاص او را تأیید و برخی نقض کرده‌اند. رشته این مسأله سری دراز دارد و اگر کسی بخواهد حق سخن را در آن ادا کند گویا کمتر از پانصد صفحه نباید بنویسد.

این نکته هم گفته شود که فیلسوفان یونانی و اسلامی گویا اتحاد عاقل و معقول را مانند وحدت وجود یگانگی واقعی می‌پنداشته‌اند نه اتحاد ذهنی؛ درست بگویم آن را ابژکتیف دانسته‌اند نه سوژکتیف.

اما از سخنان ابن ابی‌جمهور احسائی در المجلی برمی‌آید که این یگانگی ذهنی صرف است و واقعیت ندارد و تنها از استغراق ذهن در معقول حکایت می‌کند چنان که فنای عارف تنها جنبه ذهنی دارد و اتحادی واقعی میان موجد و موجودات نیست.